

دارِ قِرمه

www.ketab.ir

زهره فصل بهار



پاییز ۱۴۰۳

دارترمه

نویسنده: زهره فصل بهار

ویراستار: مژگان معصومی

شابک: ۵-۴۳-۷۳۶۸-۶۰۰-۹۷۸

شماره کتاب‌شناسی ملی: ۴۶۳۰۴۷۳

نوبت نشر: ششم

زمان نشر: پاییز ۱۴۰۳

شمارگان: ۱۰۰ جلد

قیمت: ۳۳۰,۰۰۰ تومان

یادآوری اخلاقی و حرفه‌ای:

کلیه حقوق ناشی از این اثر متعلق به انتشارات شادان است و هرگونه استفاده مادی، معنوی و غیره (به هر شکل و در هرگونه بستر واقعی یا مجازی) صرفاً با کسب اجازه رسمی از ناشر (نماینده نویسنده) امکانپذیر می‌باشد.

شادان

گروه فرهنگی انتشاراتی



دفتر مرکزی: تهران

اشرفی اصفهانی - بالاتر از نیایش - خیابان دربندی - شماره ۳۵

تلفن ۰۲۰ ۸۸۲۴۱۰۸۱ - ۰۲۰ ۸۸۲۴۱۰۸۱ - ۰۲۰ ۸۸۲۴۱۰۸۱

www.shadan.ir

info@shadan.ir



انتشارات شادان
SHADAN.PUB

در اینستاگرام نیز همراهان باشید:

عنوان: دارترمه پدیدآور: زهره فصل بهار/

تهران: شادان / ۱۳۹۵ ۳۵۲ صفحه / (ارمان ۱۳۱۴)

شابک: 5-43-7368-600-978 ISBN

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیپا.

موضوع: داستانهای فارسی - قرن ۱۴

رده‌بندی کنگره: ۸۱۶۹ PIR رده‌بندی دیویی: ۶۲ / ۳ فا ۸

شماره کتاب‌شناسی ملی: ۴۶۳۰۴۷۳

سکوتی دل خواسته...

سکوت و سکون زن‌ها و مردها متفاوت است، مثل غم و شادی درونی آدم‌ها. وقتی مردی را آرام و در سکوت می‌بینیم یعنی در حال عادی خود است، همانند غمی درونی که باید با اتفاقی به شادی مبدل شود. اما هنگامی که زنی را ساکت و فرو رفته در خویش دیدیم یعنی شادی ذاتی‌اش را از دست داده و به علتی به غم رسیده است. زندگی است دیگر، هزار بالا و پائین دارد: گاه کوک است و گاهی ساز ناکوک دارد و چفت و جفت نمی‌شود. در این مواقع، عکس العمل‌ها زنانه و مردانه می‌شود!

شاید آن که می‌گوید زنان در ذات خویش شادند مگر به دلیلی، یا با از دست چیزی غمگین شده‌اند مردان در درون خود غمگین هستند و با رسیدن به خواسته‌ای شاد می‌شوند، درست گفته است.

زن ساکت و لب فرو بسته نگران کننده است مثل کسی که از دوست داشتن دست شسته است. آن که دل سپرده و احیاناً دلش شکسته است. شاید کسی را دوست داشته و در ذهن خویش تصویری ساخته از او، تصویری که گاهی با واقعیت متفاوت است. انگار آدمی تازه را در ذهن خویش پرورانده، آن طور که دلش می‌خواسته و از زمین تا آسمان با واقعیتش تفاوت داشته است. و این گونه سرخورده شده است.



زن در خویش فرو رفته ما دل خسته است از همه کسانی که دل به آنان سپرده... از دور تا نزدیک. آنانی که تصور می‌کرد می‌شود به کلامشان تکیه کرد اما در عمل چنان نشد و ناامیدش کردند. او در خود پنهان شده تا دیگر مجبور به تجربه‌ای دوباره نشود.

سکوت او را باید جدی گرفت زیرا که دیگر سخت می‌تواند اعتماد کند تا زبان بگشاید و از گذشته بگوید. از روزهای دل بستن و اعتماد کردن، از زمان دوست داشتن‌های بی‌دریغ! این است تفاوت میان زنان و مردان که زنان سهل‌تر دل می‌بندند اما اگر دل شکسته شدند، به سختی دوباره اعتماد می‌کنند. پس برای زبان گشودن آنان باید صبور بود تا بتوان اعتماد از دست رفته‌شان را دوباره به دست آورد، البته اگر بشود.

قصه‌ای پیش روی مخاطبان است با دیدگاهی متفاوت که نویسنده از آن سو به موضوع نگرش کرده است. قصه‌ای که با سکوت و سکون آغاز می‌شود و کم‌کم راز می‌گشاید. توالی این قصه به دست نویسنده هم به گونه‌ای است که مخاطب را همراه خود می‌سازد. هر واقعه‌ای که در این قصه رخ می‌دهد، مخاطب همین توالی و رفت و برگشت قصه در حال و گذشته است و او را با کنجکاوی به دنبال خود می‌کشاند.

امیدواریم که همانند دیگر آثار نویسنده مورد توجه شادانی‌ها قرار گیرد.

بهمن رحیمی

مرداد ماه ۱۳۹۶ - تهران

لینا لعلی